



دیزل

یک روز لازم بود صبح به میدان هوای برم. بعد از چند صد متر ماشین موتر گل شد. با خیزهای بزرگ کانگورو مانند موتر استاد شد. سریع فهمیدم که موتر را که کراه کردم را از تیل دیزل پر کرده ام. انداختن تیل دیزل برای من طبیعی بود زیرا خودم موتر دیزلی داشتم. موتر که کراه کرده بودم از نوع دیزلی نبود بلکه بنزین/پترول بود. همه چیز خیلی اشتباه پیش رفت. این موتر پترولی جور بود، اما ماشینش به خوبی با تیل دیزل کار نمیکرد.

گناه چیست؟

آدم و حوا در بهشت، در باغ عدن زندگی میکردند. آنها افرادی بودند که به شبیه خدا ساخته شده بودند. خدا با آنها رابطه داشت. عدالت، صلح و خوشبختی وجود داشت. بهشت واقعی روی زمین. آدم و حوا مجاز به مراقبت از همه چیز بودند. اما یک دستور واضح وجود داشت: "از درخت دانش خوب و بد غذا نخورید، زیرا اگر این کار را انجام دهید، خواهید مرد."

پیدایش ۲: ۱۵-۱۷

ما میدانیم که داستان چگونه به پایان میرسد. با وجودیکه آدم آگاهی از عواقب این کار را داشت، دقیقاً همان کاری را که خداوند منع کرده بود، انجام داد. به محض اینکه او از میوه درخت شناخت خیر و شر خورد، اتفاقی افتاد. این دقیقاً مانند داستان تیل دیزل در موتر پترولی است. این موتر و مخصوصاً ماشینش برای تیل دیزل ساخته نشده است. مشکلی بد پیش میاید! ماشین دیگر کار نمیکند. قسمت بیرونی هنوز در وضعیت خوب قرار دارد، اما قسمت داخل موتر یک مشکل وجود دارد. این همان اتفاقی است که برای آدم و حوا و همه فرزندان آنها بعد از آنها افتاده است. آدم و حوا با مرگ معنوی درگذشتند. جسم و وجود آنها همانند ابتدا باقی ماند، اما روح آنها مرد، همانطور که خدا گفته بود. آدم و حوا قدرت گناه را کشف کردند. آنها تا آن لحظه فقط خوبی را میدانستند، اما اکنون آنها معنای شر را نیز میدانستند.

ریشه گناه این است که شما واقعاً تصمیم میگیرید که خلاف خدا بروید. شما انتخاب خود را در مورد آنچه شما فکر میکنید خوب است انجام میدهید و نمیخواهید مطابق با زندگی که خدا برای شما در نظر گرفته زندگی کنید. خدا دیگر پادشاه شما نیست. این شما هستید که بر تخت سلطنت نشسته اید. همانطور که در داستان آدم و حوا میبینیم، شیطان خیلی خوشحال است که با شما در انتخاب تان کمک کند.

اولین پیامد گناه

چه چیزی را از طریق گناه از دست میدهیم؟

رومیان ۳: ۲۳

اولین اتفاقی که برای آدم و حوا افتاد این است که آنها دیدند که آنها برهنه هستند. قبل از آن هرگز مشکلی نبود. آنها خود را پوشاندند زیرا شرمنده شدند. آنها خود را از خدا پنهان کردند. به دلیل گناه، انسان واکنش متفاوتی را نشان میداد. آنها از مجازات و قضاوت خدا ترسیدند.

پیدایش ۳: ۷

چشم درک شان باز شده اما چشم قلبشان بسته.
خدا چه میکند؟

پیدایش ۳: ۸، ۹





همه چیز با انسان اشتباه میشود. خدا هنوز هم دنبال مردم است چون او میخواهد با آنها رابطه داشته باشد. اما متأسفانه انسان تغییر کرده است. آدم و حوا جرات ایستادن در برابر خدا را نداشتند. متی ۹: ۱۰-۱۳

در این داستان میبینیم که عیسی دقیقاً مانند خدا به دنبال آن انسان گناهکار میگردد. عیسی برای نجات آنها به انساهاى صالح نمیرود بلکه به سراغ گناهکاران میرود تا آنها را نجات دهد.
چرا مردم مجبور شدند باغ عدن را ترک کنند؟

پیدایش ۳: ۲۲، ۲۳

۱

خدا نمیخواست شر که در وجود انسان است با زندگی ابدی بپیوستد. اگر انسان با علم شر برای همیشه زنده بماند، پس شر و تمام عواقب آن نیز برای همیشه باقی خواهد ماند.

بیماری مسری

وقتی کسی به یک بیماری مسری مبتلا است، در انزوا قرار میگیرد. به همین ترتیب، آدم و حوا اجازه ماندن در نزدیکی درخت زندگی ابدی را نداشتند.

عواقب بعدی گناه

زمانیکه روح انسان میمیرد و زندگی خدا دیگر در دسترس نیست، انسان شروع به زندگی خارج از بدن میکند. خدا دیگر مرکز وجود او نیست.

نتیجه گناه آدم چیست؟ این آیه در مورد هر شخص چه میگوید؟

رومیان ۵: ۱۲-۱۵

۱

عواقب برای بشر بسیار زیاد است. به جای ایمان به خدا، ترس از خدا وجود دارد. خودپسندی به جای محبت بی قید و شرط. صلح ناپدید میشود، قتل و مرگ به سرعت میایند. عدالت از بین میرود، انسان دیگر در برابر خدا صالح نمی ایستد و خشم و شرم ظاهر میشود. بیماری به زمین می آید. زمین اکنون نفرین شده است و همه چیز دشوارتر خواهد بود. اولاد به دنیا آوردن برای زن بسیار دردناک خواهد بود. مرد بر زن حکومت خواهد کرد. بغض و تلخی ورود میشود. سرانجام، پس از مرگ معنوی، و جدایی روح خدا و انسان، و همچنین مرگ بدن، و جدایی ضمیر و روح از بدن رخ میدهد. سرانجام، مرگ ابدی، جدایی از خدا برای همیشه.

عواقب متوالی:

هویتی که خدا داده از بین میرود

از طریق گناه، خصوصیتی که خداوند در ما قرار داده تخریب شده. به خاطر گناهی که مرتکب شده اید یا دیگران به شما مرتکب شده اند، دوست داشتن خود دشوارتر میشود.

ارزش گذاری و پذیرش خود نیز دشوارتر میشود، یا به دلیل گناهی که مرتکب شده اید یا ظلم که به شما شده است. اگر شما نتوانید خود را دوست داشته باشید یا برای خود ارزش قائل شوید، اعتقاد به این که هدفی در زندگی شما وجود دارد نیز دشوار میشود.

اقتدار تحریف شده است

از آنجا که انسان مطیع خدا نبود، کسی که او را آفرید و اختیار داد از زندگی ناپدید شد. آنچه را که میکارید، درو خواهید کرد. در روی زمین میبینیم که اقتداری که خداوند ایجاد کرد، کاهش یافته. اکنون اقتدار برای سلطه استفاده میشود. شیطان هم اکنون در زندگی کسانی که به او اجازه میدهند، دارای اقتدار است.

مسئولیت پذیرفته نشده است





از آنجا که مردم اقتدار را به خوبی درک نمیکنند و نمیخواهند مسئولیت را به عهده بگیرند ، مردم معمولاً مسئولیت را که به آنها اختصاص داده شده است ، جدی نمیگیرند. سپس از قدرت برای ظلم به مردم سوء استفاده میشود. آزادی انتخاب، که خدا به انسان داده ، از جانب اقتدارگرا احترام نمیشود و یا کمبود اقتدار و قانون وجود دارد ، که باعث میشود هر کسی آنچه فکر میکند خوب است را انجام میدهد. روابط خانواده ها و جامعه مخدوش است

تمرکز بر «من» در مرکز فرهنگ امروز باعث شده است که روابط روزمره در همه جا مخدوش شود. مشکلاتی بین زن و مرد ، والدین و فرزندان ، رئیس و کارمند ، دولت و مردم وجود دارد.

رابطه با خدا دشوارتر شده است

حالا که انسان شرم ، ترس و هویت بد را میداند ، تجربه محبت به خدا ، شنیدن صدای او و درک اراده او دشوار شده است.

مشق

پنج نکته آخر را مرور کنید و ببینید آیا شما الگوهای زندگی خود را تشخیص داده میتوانید. تصویر اصلی که خدا برای شما منظور کرده است توسط شما یا گناه دیگران تحریف شده است؟



این پنج نکته را که ما در این مطالعه بررسی کردیم با مربی خود در میان بگذارید و به آنها بگویید که در چه مناطقی نیاز به شفا دارید. با هم دعا کنید که خدا طی هفته های آینده توسط روح خود شفا بدهد انتخاب های درستی داشته باشید تا شفایاب شوید.



اصول ۱۹

به دلیل گناه ، ما در هویت و اقتدار خود که خدا برای بشر در نظر گرفته بود، به مشکل برخوردیم. به همین دلیل ما در مسئولیتهای مراقبت ، محافظت از زندگی ، و تکثیر به روش سالم ، با مشکل روبرو میشویم و به همین دلیل مشکلات رابطه ای وجود دارد و ارتباط ما با پدری که ما را دوست دارد قطع میشود.

